

وجود بابی فقهی به نام فقه هنر یا رسانه، اول الکلام است

*علی نهاوندی

وجود بابی فقهی به نام فقه هنر یا رسانه، اول الکلام است/ در میان مسائل فقه نمایش، اولویت خاصی وجود ندارد/ نمایش با محوریت کنش بازیگر، زیرمجموعه فقه هنر است نه رسانه

ما اصلاً در تبویب فقه، بابی تحت عنوان باب رسانه یا هنر نداریم. هیچ یک از فقهای ما بابی را برای رسانه یا هنر اختصاص نداده‌اند. این اول کلام است که آیا می‌توانیم در تبویب فقهی خود، بابی را برای فقه رسانه یا هنر اختصاص بدهیم یا خیر؟

اختصاصی شبکه اجتهاد: شکی نیست که یکی از مهم‌ترین بخش‌ها و سرفصل‌های فقه هنر، مسائل مربوط به هنرهای نمایشی است. در عین حال اما به نظر می‌رسد مراد از این سرفصل و آنچه از آن تحت عنوان «فقه نمایش» یاد می‌شود روشن نیست. این موضوع را با حجت‌الاسلام والمسلمین علی نهاوندی، در میان گذاشتیم. ده سال مدیر کلی صداوسیما، خراسان رضوی و چندین سال مدیریت بر مرکز پژوهش‌های اسلامی رسانه، وی را یکی از متخصص‌ترین افراد در حوزه هنر و رسانه قرار داده است. او علاوه بر این، سال‌ها درس خارج فقه رسانه را در مشهد و قم برگزار کرده است. همچنین نزدیک به ده کتاب و چندین مقاله در حوزه مباحث فقهی هنر و رسانه منتشر کرده است. مدیر گروه فقه هنر، رسانه و ارتباطات مرکز فقهی ائمه اطهار (ع)، در این گفتگو، از چیستی و گستره فقه نمایش سخن گفت. مشروح گفتگوی «اجتهاد» با وی، از نگاه شما می‌گذرد.

اجتهاد: تعریف دقیق نمایش چیست؟ با توجه به این تعریف، مراد از فقه نمایش چیست؟

نهماوندی: در ادبیات رایج و عرف جامعه، وقتی از نمایش صحبت می‌کنند، انگاره و تلقی‌شان، پخش یک صحنه دیداری است، مثلاً می‌گویند ما برای فروش فلان کالا، آن را به نمایش گذاشتیم یا مثلاً امشب یکی از فیلم‌های سینمایی به نمایش در می‌آید یا نمایشگاه اتومبیل و نمایشگاه مبلمان. این نمایش در عرف جاری مردم، به معنای آن چیزی است که در معرض دید قرار می‌گیرد؛ اما زمانی که می‌خواهیم از هنر نمایش صحبت کنیم ابتدا باید در نظر بگیریم که نمایش یک شاخه از هنر است. واژه نمایش، ترجمه درامای یونانی است که به معنای کنش تقلیدی است. کنشی که برای بازنمایی یک رفتار تقلید می‌شود. از نظر واژگانی، آنچه عرف تلقی می‌کند و آنچه تعریف دقیق و فنی از نمایش است، هم از نظر لغوی و هم از نظر اصطلاحی فرق می‌کند.

از آنجاکه نمایش، بخشی از هنر است، ابتدا تعریفی از هنر ارائه می‌کنم. هنر یک امر مصنوعی متخیل بشری است که قابلیت بروز ویژگی‌های زیبایی‌شناسی را دارد. هنرهای نمایشی، یکی از اشکال هنرهای هفت‌گانه است که بر پایه بازیگر استوار است. یعنی بازیگر با بهره‌وری از بدن، کلام و امکاناتی که به خلق اثر هنری منجر می‌شود، کنش بازیگری را انجام می‌دهد تا چیزی را خلق نموده و آن را به صحنه بیاورد. در حدود سده دوازدهم میلادی به بعد، به هنرهای متکی بر دیدار، هنرنمایشی اطلاق می‌کردند. به عبارت دیگر، هنری که بازیگران را در جایگاه قهرمان و اشخاص داستان قرار می‌دهد تا با هنرمندی و اعمال حرکات و گفتار خودشان، امکان خاصی را برای فهم آن واقعه به مخاطب فراهم کنند.

باید یادآور شوم که هنر نمایش، از دیگر هنرها نیز بهره می‌گیرد؛ مثل، ادبیات، موسیقی، شعر، نقاشی، معماری و... پس نمایش، نه به معنای رایج در عرف، بلکه به معنای یک شاخه هنری، یک کنش تقلیدی است که بروز هنری زیباشناسانه دارد و مصنوع است؛ یعنی مخلوق بازیگر است و بر اساس حوزه‌های متخیل بشری شکل گرفته و سناریوهای از قبل خلق شده را تبدیل به صحنه می‌کند.

هنرهای نمایشی امروزی که مورد توجه قرار می‌گیرد به دلیل عرصه‌های گسترده رسانه‌ای و فناوری، خیلی چیزها را در بر می‌گیرد؛ مثل انواع رقص، باله، اجرای موسیقی‌های زنده و اپرا، انواع تئاترها (زنده، عروسکی)، نقالی، پرده و تعزیه‌خوانی، پانتومیم، تردستی و شعبده‌بازی، حتی شعرخوانی و داستان‌خوانی، نمایش‌های سیرک و بندبازی، معرکه‌گیری‌های پهلوانی، سینما، فیلم و سریال.

به موازات این هنرهای نمایشی، هنرمندانی داریم در قالب‌های بازیگر (هنرپیشه)، کم‌دین، رقصنده، نوازنده، خواننده، شعبده‌باز، بالیست و... دامنه بحث را از آن جهت باز کردم که وقتی گفته می‌شود هنرهای نمایشی، به ذهن می‌رسد که منظور، فیلم و سینما است درحالی‌که گستره خیلی وسیعی را شامل می‌شود و پدیده‌های بسیاری را نیز همپوشانی می‌کند؛ از تماشاگر گرفته تا مکان، زمان، سناریو، داستان، دکوراسیون و نورپردازی، امکانات و تدارکات مورد نیاز و...

در قدیم هنرهای نمایشی، مثل باله و اپرا و رقص و امثال آنها در دسته‌بندی‌های دیگری قرار می‌گرفت، اما امروزه همه این‌ها جزئی از هنر نمایشی به حساب می‌آید، حتی اجرای موسیقی‌های زنده جزئی از هنرهای نمایشی قلمداد می‌شود.

اما در مورد مراد از فقه نمایش باید گفت: فقه نمایش از جمله فقه‌های مضاف و تخصصی است که به دنبال تعیین احکام شرعی و استنباط ضوابط و مقررات الهی در خصوص عناصر نمایش از یک سو و فرایند تبادل پیام و اطلاعات از سوی دیگر است، آن هم در دو مقیاس خرد و کلان، برای تعیین تکلیف مکلفان حقیقی و حقوقی.

به تعبیر دیگر، فقه نمایش درصدد بیان قوانین و احکامی است که اسلام در قالب احکام خمس به فعالیت‌های هنر نمایشی از ابعاد گوناگون بیان می‌کند.

به عبارت سوم، فقه هنرهای نمایشی، به دنبال بررسی مسائل و احکام شرعی ناظر به اجرای نمایش، مجریان نمایش، اجزای نمایش، مخاطبان نمایش، اقتصاد نمایش، ترویج و تبلیغ نمایش است.

اجتهاد: فقه نمایش ذیل کدام یک از ابواب فقهی قرار می‌گیرد؟ فقه رسانه یا فقه هنر؟ دلیل انتخاب شما چیست؟

نهایندی: برای پاسخ به این سؤال لازم است چند نکته مقدماتی را عرض کنم.

اول اینکه ما باید نسبت هنر و رسانه را روشن کنیم. اگر ما رسانه را به معنای ابزار انتقال پیام در نظر بگیریم (صرف نظر از افواه عمومی که رسانه را رسانه مدرن تلقی می‌کنند)، آنگاه همه هنرها، به دلیل اینکه حاوی پیام‌ها و معانی‌ای هستند و قالب یا فرمی برای انتقال معنا مشخص کرده‌اند، خود نوعی رسانه‌اند. اما از آن طرف، همه رسانه‌ها هنری نیستند. مثلاً روزنامه، رسانه مکتوب است؛ اما هنر نیست. نسبت هنر و رسانه، عموم و خصوص مطلق است.

نکته دوم اینکه باید روشن کنیم از کدام گونه هنر نمایشی صحبت می‌کنیم. برخی هنرهای نمایشی، رسانه‌پایه‌اند، مثل سینما و فیلم. در اینجا نمایش اتفاق افتاده؛ اما در بستر رسانه، یعنی ظرف رسانه است. در این گونه هنرهای نمایشی، غلبه بر کنش بازیگر نیست، بلکه بسیاری از افزودنی‌های رسانه‌ای مثل جلوه‌های ویژه، ترسیم یک عالم غیرواقع و... در آن دخیل است، لذا یک صحنه تئاتری با صحنه‌های تله تئاتری یا فیلم سینمایی با ژانر وحشت خیلی تفاوت دارد، در نتیجه غلبه بر کنش بازیگر نیست؛ بنابراین ظرف عرضه نمایش اهمیت دارد. باید ببینیم نمایش در چه ظرفی عرضه شده است. در بخشی از نمایش‌ها که عرضه آن، رسانه‌پایه است؛ مثلاً اپرای زنده یا تئاتر فرق می‌کند و دو محیط است.

نکته سوم که اساسی هم هست، این است که ما اصلاً در تبویب فقه، بابتی تحت عنوان باب رسانه یا هنر نداریم. هیچ یک از فقهای ما بابتی را برای رسانه یا هنر اختصاص نداده‌اند. این اول کلام است که آیا می‌توانیم در تبویب فقهی خود، بابتی را برای فقه رسانه یا هنر اختصاص بدهیم یا خیر؟

نکته آخر اینکه اگر برگردیم به حوزه اولیه از تعریف خود و بخواهیم فقه نمایش را با آن تعریف فنی تطبیق بدهیم، صرف نظر از اینک بابتی داریم یا نداریم، به نظر می‌رسد نمایش اگرچه در درون خودش، پیام دارد و خودش ظرف و بستری برای انتقال پیام است که می‌توانیم به آن، عنوان رسانه را اطلاق کنیم، اما نمایش با محوریت کنش بازیگر، حتماً جنبه هنری دارد، لذا ذیل مسائل فقه هنر باید قرار گیرد.

اجتهاد: فقه نمایش شامل چه موضوعات و زیر فصل‌هایی می‌شود؟ به دیگر سخن، گستره آن تا کجاست؟

نهایندی: نظام مسائل فقه نمایش را می‌توان این‌گونه ترسیم کرد که یک سری مسائل را ناظر به اجزای نمایش، بازیگر نمایش، نحوه اجرای نمایش، مجریان و دست‌اندرکاران نمایش (داستان‌نویس، گریمور و...) مکان و زمان نمایش، مصرف نمایش، مخاطبان نمایش، اقتصاد نمایش، تبلیغ و ترویج نمایش قرار داد.

از منظر فنی، یک سری محورها هم ناظر بر عوامل انسانی نمایش، مثل بازیگر، تیم تولید، گریم و گریمور، روابط بازیگران، پوشش بازیگران و... قرار می‌گیرد. عوامل غیرانسانی نمایش، مثل، دکور، موسیقی، مکان، زمان، و.. نیز بخش دیگر آن هستند. همچنین در اجزای نمایش باید سراغ ایده نمایش، نمایش نامه، محتوای نمایشنامه، موسیقی نمایشی، فرم و قالب‌های نمایشی، دکور، نور، صحنه، افکت‌های صوتی و گریم رفت. همه قابل بحث است.

مثلاً اگر بخواهیم در مورد مجریان نمایش بحث کنیم، این پرسش مطرح می‌شود که آیا نمایشنامه‌نویس کافر می‌تواند در مورد عقاید اسلام، ایده‌پردازی و نمایشنامه‌نویسی کند؟ یا راجع به کارگردان و تهیه‌کننده و موسیقی صحنه و نوازنده و خواننده و دکور سازان بحث بشود، چون امروزه بحث دکور و المان‌ها خیلی مهم است. مثلاً یک دکوری می‌سازند که بعداً معلوم می‌شود که المان‌های آن، فراماسونری است، همچنین در طرح لباس و صاحب سالن‌ها (تئاتر، اپرا و سینما)، چهره‌پرداز و منشی صحنه، نگاه به نمایش، نگاه مرد به زن، شنیدن موسیقی و غیره نیز پرسش‌هایی مطرح است.

به‌عنوان نمونه، مباحث اقتصاد نمایش را در کتاب خودم (نظام مسائل رسانه و ارتباطات) بحث کرده‌ام، مسائلی مانند درآمدهای نمایشی، قراردادهای نمایشی، تجهیزات و سرمایه‌گذاری. مثلاً آیا می‌توانیم طبق ذائقه غیر مسلمان‌ها فیلم بسازیم؟ خلاصه در تمام این بسترها می‌شود بحث فقهی کرد.

اجتهاد: مهم‌ترین مسائل فقه نمایش، چه مسائلی است؟

نهایندی: وقتی ما نمایش را یک فرایند می‌دانیم نمی‌توانیم بگوییم این مسئله‌اش در اولویت اول است. چون نمایش، اجزائی دارد که اگر آن اجزاء کنار هم جمع شد، صحنه نمایشی خلق می‌شود لذا نمی‌توانیم بگوییم کدام مسائل نسبت به بقیه اهمیت بیشتری دارد.